

پس از اعطای قانون اساسی فردریک . که خود تاج امپراطوری آلمان را از مجلس مؤسسان فرانکفورت پذیرفته بود ، بر آن شد که با موافقت سایر سلاطین و فرمانروایان ممالک آلمان مقصود اصلی مجلس مزبور را انجام دهد و در میان حکومتات مختلفه وحدت واقعی پدید آرد ، پس بعموم سلاطین پیشنهاد کرد که برای حفظ استقلال داخلی و خارجی آلمان ، مجدداً بایکدیگر متحد شوند و اطریش را نیز از جمع خود بیرون کنند . بموجب پیشنهاد مزبور ریاست اتحاد جدید بجای امپراطور اطریش پادشاه پروس تفویض میگشت و اداره امور سیاسی و لشکری آلمان بدو سپرده میشد . سلاطین ساکس و هانور و هفده مملکت کوچک دیگر با پیشنهاد فردریک موافقت کردند . لکن سلاطین باویر و وونامبر از در مخالفت در آمدند و چون دولت اطریش بر انقلابیون هنگری غالب شد ، ساکس و باویر نیز از پروس کناره گرفتند و اتحاد جدید دول آلمان که منظور فردریک بود به اتحاد محدودی که از پروس و هفده دولت کوچک تشکیل میگشت مبدل شد . سرانجام نیز در نتیجه اتمام حجت « اولتیماتوم » دولت اطریش فردریک وینلهم تاجار اتحاد محدود را نیز برهم زد و دول آلمان باز بریاست اطریش اتحاد قدیم را تجدید کردند .

بنابراین انقلابات آلمان نیز مانند انقلابات ایتالیا و اطریش نتیجه فرسید و اوضاع آن مملکت باز بصورت نخستین باز گشت .

فصل پنجم

ادبیات و علوم و صنایع ظریفه اروپا در نیمه اول قرن نوزدهم
نیمه اول قرن نوزدهم را در تاریخ ادبیات اروپا از لحاظ حیات
معنوی و مادی اهمیت بسیار است. چه درین زمان ادبیات و علوم و
صنایع ظریفه ترقی فراوان کرد و در اکثر ممالک، خاصه در آلمان
و انگلستان و فرانسه، شعرا و نویسندگان و علما و صنعتگران بدید
آمدند که غالب آنرا در قرون گذشته نظیری نمیتوان یافت و
شاید در قسمت ادبیات و صنایع ظریفه در قرون آینده نیز بواسطه توجه
شدید بشر بحیات مادی نظیر آنان پیدا نشود.

۱ - ادبیات

ادبیات آلمان و انگلیس از اواخر قرن هجدهم طریق تجدد
و ترقی میسر داد در نیمه اول قرن نوزدهم مقام ادبیات این هر دو
ممالک بواسطه وجود شعرا و نویسندگان زیر دستی که آلمانی و
شرح زندگانی هر یک جداگانه نگاشته خواهند شد، بحد کمال رسید.
مملکت فرانسه بواسطه ظهور انقلاب و امپراطوری ناپلئون و لشکر
کشوها و کشمکشهای داخلی و خارجی بچند از پیروی کاروان ادب
باز ماند. لکن پس از اقرض سلطنت ناپلئون و استقرار حکومت
مشروطه فرصت از دست رفته را جبران کرد و در اندک زمانی
بدستیاری شعرا و نویسندگان زیر دست خویش در ادبیات بر سایر
ملک اروپا برتری گرفت.

ادبیات نیمه اول قرن نوزدهم را از لحاظ سبک جدیدی که
شعرا و نویسندگان زمان در شاعری و نویسندگی اتخاذ کردند اهمیت

بسیار است و چون شور و غوغای سبک جدید که آنرا رمانتیسم^۱ مینامند در فرانسه سخت تر از سایر ممالک بوده و سبک مزبور درین مملکت بیروان متعصبتری داشته است. تاریخ ادبیات فرانسه را بر ممالک دیگر مقدم میداریم .

ادبیات فرانسه در نیمه اول قرن نوزدهم

سبک جدید رمانتیسم در فرانسه تقریباً از سال ۱۸۲۰ پدید آمد و دوران زد و خورد این سبک با سبک قدیم که آنرا کلاسیسیسم^۲ میگفتند، تا سال ۱۸۵۰ دوام یافت . برای اینکه علل ایجاد سبک جدید و تفاوت آن با سبک کهن آشکار شود نخست با ادبیات فرانسه پیش از ظهور انقلاب ۱۷۸۹ مراجعه باید کرد .

ادبیات فرانسه پیش از انقلاب ۱۷۸۹ دایره معارف فرانسه سخت محدود بود . علاوه بر آن بواسطه نبودن آزادی پیش از انقلاب و مداخله و تفتیش دولت در کتب و جرائد و معلات بیمی که مردم از حبس و شکنجه دولت داشتند . بازار مطبوعات اصولاً روحی نداشت . از طرفی عده طرفداران علم و ادب و کسانی که بموضوعات روحی و معنوی دلبستگی داشته باشند محدود بود و بنحین سبب افراد مردم بنویسندگی و احراز مقام ادبی کمتر متوجه میشدند . در آن زمان جز نجبا و اشراف پاریس و برخی دیگر از شهر های بزرگ فرانسه و جمعی از حکام و وکلای مراغه و امثال ایشان، که جمله گوی از طبقات ممتاز به شمار میرفتند ، کسی طالب کتاب و مشتاق مطالعه نبود . نویسندگان نیز غالباً از جمله اشراف محسوب میشدند . چه معاشرت آنان پیوسته با طبقه مزبور بود و در میان طبقات زیر دست هواخواهی نمیتوانستند یافت . در آن عصر مردم بیشتر بواسطه ذوق فطری و برای مشغول داشتن خویش یا اظهار عقیده و انتشار

افکار شخصی نویسندگی می پرداختند و استفاده مادی ازین طریق بندرت میسر میشد .

ادبیات را چون جزاشراف طالب و هوا خواهی نبود ، طبعاً رنگ اشرافی داشت و در آثار ادبی بهیچوجه از طبقات زیر دست نامی درمیان نبود ، مثلاً نویسندگان ته آتر معمولاً سرگذشت طبقات عالیه مانند سلاطین و درباریان را موضوع ته آتر خویش میساختند و از نمایش احوال زارعین و کارگران و طبقات پست احتراز میکردند . شعرا و تر نویسان نیز عموماً در طرز فکر و سبک شاعری و نویسندگی اساتید قدیم یونان و روم را تقلید میکردند و انحراف از سبک نویسندگان عهد عنیق را مخالف شئون و اصول ادبی مینداشتند بهمین سبب تاریخ و ادبیات یونان و روم قدیم در فرانسه رواج کامل داشت ، چنانکه اشتیاق غالب مردم نسبت بناریخ و ادبیات معالمت مزبور از تاریخ و ادبیات فرانسه بیشتر بود ، نویسندگان حتی الامکان موضوع کتاب یا نه آتر خویش را از کتب و آثار قدیمه یونان و روم اقتباس میکردند و در قواعد نویسندگی نیز رعایت مقررات قدیم را از جمله واجبات میشمردند . چنانکه چون نویسندگان یونان قدیم در ته آترهای خویش نمایشهای خنده آورا و حزن انگیز را با یکدیگر نامیخته بودند ، آنان نیز از آمیختن آندو احتراز می نمودند و بدین سبب آثار ایشان کلیه منشابه و یکنواخت بود ،

ادبیات فرانسه در اوائل قرن نوزدهم ادبیات فرانسه صورتی دیگر یافت و از جامه اشرافی بدر آمد ، نویسندگان و پس از انقلاب شعرا از پیروی اساتید یونان و روم قدیم خودداری کرده در نویسندگی و شاعری بافکار و عقاید و احساسات خویش متکی شدند ، از طرفی بواسطه آزادی محدودی که در دوره بازگشت

خانواده بوربن بچرائند داده شد و در آغاز سلطنت لوئی فیلیپ نیز با زادی مطلق تبدیل یافت، بر عده خوانندگان و طالبان مطبوعات بیفزود و نویسندگی بر خلاف سابق از جمله مشاغل و وسیله تحصیل معاش گردید. ادبیات که تا آن زمان طیفه نجیب و توانگران. اختصاص داشت در دسترس عامه قرار گرفت و فی الحقیقه انقلاب فرانسه در همانحال که مساوات را از لحاظ سیاسی میان مردم مسخر کرد از لحاظ ادبی نیز تمام طبقات را بایکدیگر برابری ساخت. کم کم قدر و بهاء ادبیات قدیم یونان و روم نیز بکاست، زیرا مترجمین بسیاری از آثار نویسندگان جدید انگلستان و آلمان مانند شکسپیر^۱ و شیلر^۲ را ترجمه کردند و با نشر افکار بدیع و سبک دلپسند و عبارات شیرین نویسندگان مزبور مردم را از مطالعه آثار کهن منصرف ساختند. بالنسبه به آثار نویسی صورت دیگر یافت و در آمیختن موضوعات حزن انگیز و خنده آور چنانکه شکسپیر و شیار نیز معمول داشته بودند مداول گشت، از طرفی تاریخهم در ادبیات راه یافت و بدینواسطه نویسندگان از تقلید آثار یونان و روم قدیم چشم پوشیدند و موضوع نه آرهای و حکایات خوبش را از تاریخ قرون وسطی و قرون جدیده اقتباس نمودند و از نتیجه دائره انستار قصص و حکایات وسعت گرفت و اشتیاق مردم افکار تازه و مطالعه کسب و آثار نویسندگان جدید زباده گشت. شعرا نیز از تقلید سبک قدیم و بکار بردن مضامین کهن احتراز جسته مصائب و آلام با سرور و نشاط درونی خوبش را موضوع اشعار قرار دادند.

تغییرات سابق الذکر جمله بدسیاری جمعی از شعرا و نویسندگان صاحب فریحه زیر دست انجام یافت که سال ۱۸۲۰ مبدأ انشور آثار

گروانهای ایشانست و این سنه را در اصطلاح ادبی فرانسه . چنانکه سابقاً گذشت پروان رمانتیسیم میخوانند .

رمانتیسیم و هواداران آن

رمانتیسیم در زبان فرانسه السنه ای را که از لاتینی مستقیماً شده است . مانند زمانهای ایتالیائی و فرانسه و اسپانیولی و پرتغالی رمانتیسیم **السنه رمان** میخوانند و این کلمه از لغت لاتینی **رمانوس** یعنی رومی بدید آمده است . همچنین مللی را که بالسنه مزبور متکلمند **ملل رمان** مینامند و چون دوران تکامل و نشوونمای ملل مزبور با قرون وسطی و انتشار دین مسیح مقارن بوده است . نویسندگان اروپا بیتی از قرن نوزدهم ادبیات و آثاری را که زبان آن بر تاریخ قرون وسطی و دین مسیح استوار بود و از فرجه واسعه مدخل ملل رمان بدید آمد . بود ادبیات و آثار **رمانتیک** میگویند و ادبیات و آثار پیش از قرون وسطی یعنی آنچه را که مربوط به روم و یونان و سایر ادبیات و آثار **کلاسیک** میخوانند . نابراین کلمه رمانتیسیم در ادبیات و صنایع بر سبکی که از ذوق و سلیقه و اسعه مردم قرون وسطی و پروان دین مسیح ایجاد شده بود اطلاق میگفت . لکن در اوایل قرن نوزدهم کلمه رمانتیسیم مفهوم دیگر یافت . در فرانسه از قرن هفدهم نویسندگان و شعرا تقلید ادبیات یونان و روم قدیم را بشه خود ساختند و این تقلید در قرن هفدهم بدرجه کمال رسید . چنانکه در آثار ادبی آن مملکت بهر چه از اوصاف قرون وسطی و ادبیات آن عصر نامی در میان نبود . کم کم نویسندگان سایر ملل اروپائی مانند آلمان و انگلیس نیز آثار ادبیاتی در قرن هفدهم فرانسه را که در نظر ایشان ادبیات کلاسیک جدیدی

بود سرمشق خویش ساختند و با پیروی نویسندگان فرانسه آنان نیز مقلد
اساتید یونان و روم کهن شدند .

لکن دیری نگذشت که تقلید ادبیات فرانسه بر ملل اروپائی
گران آمد و از آغاز قرن هجدهم نخست جمعی از نویسندگان و
شعرای آلمان پیروی سبک ادبای فرانسه را ترك گفته بانفاد آثار
ایشان و ایجاد سبکی تازه برخاستند . کم کم این مخالفت بانگلستان
نیز راه یافت و بالنتیجه در ادبیات و صنایع ظریفه ممالک مزبور در
مقابل سبک کلاسیک سبک تازه ای اتخاذ شد که آنرا **رمانتیسیم**
نام نهادند .

عقاید هواداران هوا داران رمانتیسیم معتقد بودند که در نویسندگی
و شاعری از تقلید اساتید یونان و روم قدیم جسم
رمانیسیم باید پوشید و از دائرة محدود مضامین کهن فراتر

باید رفت و در ادبیات بافکار و احساسات خویش منکی باید بود .
میگفتند که نویسنده باید در سبک نگارش از وجود و ملاحظات
قدیمه آزاد باشد تا حقایق را چنانکه خود احساس میکند تمرین
بنواند کرد . طرفداران رمانیسیم برخی از قواعد ادبی قدیم را
مانع پیشرفت و ترقی ادبیات می ینداشند و بدواسطه در انحراف
از آن قواعد متعمد بودند .

سبک جدید در فرانسه آسان رواج نیافت و ظهور آن بن
نویسندگان اختلافات شدید ایجاد کرد ، مخصوصاً تغییر سبک ، آنر
نویسی و در آمیختن موضوعات حزن انگیز و خنده آور پروان
سبک قدیم را سخت متغیر ساخت و موجب خشم و کینه ای گردید .
که امروز مایه حیرتست . از طرفی هواخواهان سبک جدید و قدیم
را در سیاست نیز اختلاف بود ، چه پروان رمانتیسیم از حزب سلطنت

طلبان و دستداران سبک قدیم از جمله آزادی خواهان بودند، یعنی آنانرا که در طریق آزادی ادبیات میکوشیدند. مرام سیاسی استبداد بود و برخلاف در نظر آنانکه آزادی سیاسی را لازم میشمردند، تجاوز از حدود سبک کهن گناهی عظیم بشمار میرفت.

بنابراین اختلاف سیاسی نیز آتش خشم ایندو دسته را دامن میزد و بر نعلب ایشان در جدال ادبی میفزود. حکومت فرانسه نیز در باطن بطرفداران رمانتیسیم متمایل بود. چه اولاً این طایفه چنانکه گفته شد. طالب سلطنت مسمیده بودند. ثانیاً سلطنت جدید بر انداختن اصول ادبی قدیم را بواسطه آنکه حکومت انقلابی فرانسه و ایاتون از آن طرفدارانی کرده بودند. برخویشتن واجب میشمرد. بدین سبب هواخواهان رمانتیسیم با مساعدت باطنی حکومت و نیروی کوشش و باینداری و مخصوصاً بواسطه وجود نویسندگان و شعرای زیر دست که شرح حال ایشان نگاشته خواهد شد. پس از زردو خورد بسیار بر مخالفین - نویسندگان شالاب شدند و سر انجام بترویج رمانتیسیم و بر انداختن سبک کلاسیک نائل آمدند.

در انقلاب ادبی فرانسه و ترویج رمانتیسیم دو نفر پیشقدم بوده اند. یکی **شاتو بریان**^۱ و دیگری **مادام استال**^۲. و وجود این هر دو نویسند ۵ در رواج سبک مزبور تأثیر تام داشته است.

شاتو بریان

شاتو بریان در سال ۱۷۶۸ در سن مالو^۳ از شهرهای شمال غربی فرانسه متولد شد و نام اصلی وی **فرانسوارنه**^۴ بود. در سال ۱۷۸۶ با رتبه معین نایبی بخدمت لشکری پرداخت و چون روزگار انقلاب در رسید فرانسه را ترک گفته بامریکا رفت و قریب یکسال در کانادا

۱ - Chateaubriand .
۲ - Madame de Staël .
۳ - Saint - Malo .
۴ - François René .

و برخی دیگر از نواحی دنیای جدید، بی‌ساخت گذرانید. سپس در سال ۱۷۹۲ به فرانسه بازگشته بکریک ناهزادگان و مهاجرینی که برضد حکومت انقلابی در شهر کوبلنتز^۱ گردآمده بودند. شتافت و در آنجا مجروح گشته بانگلستان رفت. چندی بعد چون ناپلئون بمقام کنسولی نائل گشت شاتوبریان بار دیگر پاریس آمده بدویوست، لکن دیری نگذشت که علتی سیاسی او را از بناپارت رنجیده خاطر و بامخالفان وی همدستان ساخت. پس راه سفر بیت‌المقدس پیش گرفت (۱۸۰۶) و معانک یونان و شام و مصر و تونس و اسپانی را سیاحت نمود. در دوره بازگشت خانواده بوربن شاتوبریان باز قدم بمیدان سیاست نهاد و بمقامات سفارت و وزارت خارجه نائل شد و در سال ۱۸۳۰ بواسطه افتراض سلطنت خانواده بوربن حیات سیاسی را ترک گفته، بقیه عمر بنویسندگی پرداخت و سرانجام در سال ۱۸۴۸ در پاریس وفات یافت.

مهمترین آثار شاتوبریان که در ادبیات فرانسه تأثیر خاصی داشته عبارتست از حکایات آتالا^۲ و رنه^۳ که مظهر احساسات شخصی نویسنده است، و کتب شهیدان^۴ و منقبت دین مسیح^۵ که هر دو حاکی از عقائد دینی اوست.

شاتوبریان بواسطه سبک داپسند و احساسات بی آرایش و وسعت تصورات شاعرانه و قدرتی که در نمایش و وصف مناظر طبیعی داشت، خوانندگان را تا حدی از سبک یکنواخت و بیروح قدیم منحرف ساخت و فکر ایجاد سبک جدید را در نویسندگان و شعرای جوان ایجاد کرد، چنانکه فی الحقیقه ظهور رمانتیسیم در فرانسه نتیجه آثار گرانهای اوست.

۱ - Coblantz . ۲ - Atala . ۳ - René . ۴ - Les Martyrs .

۵ - Le Génie du Christianisme .

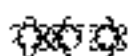
مادام استال

مادام آن لویز ژرمن فکر^۱ معروف بمادام استال دختر فکر وزیر نامی لوئی شانزدهم و اصلاً سوییسی بود، که در سال ۱۷۶۶ در پاریس تولد یافت، مادر او بادییات اشتیاق تام داشت و بدینواسطه با نویسندگان و ادبای عصر خویش معاشرت بسیار می نمود، پس مادام استال نیز طبعاً در ایام جوانی بهجمع نویسندگان راه یافت و سرانجام دل بر ادبیات نهاد. و در سال ۱۷۸۶ با **بارون استال هولشتاین**^۲ سفیر سوئد در دربار فرانسه مزاجت کرد. در زمان انقلاب زندگانی او با بیم و اضطراب فراوان گذشت. چه او خود از جماعه شاه طلبان و خانه وی مرکز هواخواهان سلطنت بود و حتی زمانی از پی نجات ماکه **ماری آنتوانت**^۳ برخاست و چون بدینمقصود نائل نیامد روسویس وطن اصلی خویش نهاد و در سال ۱۷۹۶ مجدداً بفرانسه باز گشت. چون نوبت حکومت ناپلئون رسید مادام استال بر آن شد که بدو پیوندد و در امور سیاسی مداخله کند، لکن بناپارت از زنانیکه در سیاست مداخله میکردند متنفر بود و بدین سبب او را سخت براند و از آنزمان بین آندو خصومتی شدید پیدا شد و چون مادام استال با مخالفین ناپلئون آمیزش داشت در سال ۱۸۰۳ او را از پاریس تبعید کردند، پس باآلمان سفر کرد و در آنجا با شیلر و گوته آشنائی یافت و از آنجا با ایتالیا رفته بار دیگر بفرانسه باز گشت، در سال ۱۸۱۰ مهمترین آثار وی که **راجع بالمان**^۴ نگاشته بود منتشر شد و چون خصومت وی باحکومت و شخص ناپلئون از کتاب مزبور پدیدار بود انتشار آنرا جلوگیری کردند و توقف مادام استال در فرانسه ممنوع گشت. کتاب مزبور

۱ - Anne Louise Germaine Necker - ۲ - Baron Staël-Holstein

۳ - Marie Antoinette - ۴ - De l'Allemagne

را از لحاظ ادبی اهمیت بسیار است و مانند آثار شانوبریان آنرا سرمشق سبک جدید باید شمرد. مادام استال درین کتاب نه آثرهای شیلروگوتیه را تعریف کرده و محسنات آنرا از لحاظ اینکه بتقلید ته آثرهای حزن انگیز کلاسیک نگاشته نشده است بیان نموده ، مادام استال نیز مانند هواخواهان رمانتیسیم معتقد بود که باید از تقلید نویسندگان کهن چشم پوشید و از قواعد ادبی آنچه را که مانع ترقی فکر نویسندگان و نمایش حقایقت بدور افکند. مادام استال در زمان تبعید سفری چند باطربش و انگلستان و روسیه و سوئد کرد و در زمان سلطنت لوئی هجدهم بفرانسه بازگشت و کتاب دیگر خویش موسوم به **دو سال تبعید** را انتشار داد و در سال ۱۸۱۸ درگذشت. کتاب دیگر وی موسوم به **ملاحظاتی چند در باب انقلاب فرانسه** یکسال پس از مرگ او منتشر گردید .



نهال رمانتیسیم که دست شانوبریان و مادام استال در بوسنای ادبیات فرانسه نشانده شده بود . سخت دیر بهر رسید . چه انتشار کتاب مادام استال در دوره امپراطوری ناپلئون سالی چند ممنوع بود و اصولاً در زمان حکومت ناپارت ادبیات فرانسه نیز صورت رسمی و دولتی داشت و مینوان گفت که حکومت امپراطوری نویسندگی و شاعری بسبب کلاسیک را ترویج و حمایت میکرد . لکن پس از آنکه دوره سلطنت ناپلئون پایان آمد و حکومت دیگران بخانواده بوربن انتقال یافت ، از مداخلات و نظارت دولت در ادبیات ناحدی کاسته شد و نویسندگان و شعرا در اظهار عقائد خویش آزاد شدند . تاریخ ادبیات فرانسه از سال ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۰ بنام چهار شاعر

برك آراسه است كه رواج رمانيسم و غلثه آن بر سبك كلاسيك
 مرهون هريجه و استعداد و بردسي و ليد طبعي است و آن چهار
 لامارئين و هوگو^۱ و وین بی^۲ و موسه^۳ می باشد.

لامارئين

آلفونس دولارمارئين^۴ از حماه سعرا و سياسيون برلك
 فرانسه است كه در سال ۱۷۹۱ در شهر ماكن^۵ در بلاد جنوب
 سرفي فرانسه قدم بعرضه و خود نهاد و در سال ۱۸۶۹ در گدس^۶



انام حوایی این ساعر
 بزگوار در دهكده
 ميل لي^۷ بردل ماكن
 گدس . بخصلا
 وی را در كودكي
 درسي بود چنانكه
 گاه زبان لاسي می
 آموخت و گاه بمطالعه
 كتب اسامه مدم و
 حدید می پرداخت .
 در هب و پخصالنگی
 سفري باطالیا كرد و
 دو سال در آن مملكت
 مساحت بلاد فلورانس^۸

و رم^۹ و نابل^۹ گذراند و كتاب گرايهای او موسوم^۹ گرازیلا^{۱۰}
 كه حاكي از احساسات و عواطف بی آلايش نام حوایی اوست

	۴ - Vaucluse	۲ - Vigay	۱ - Hugo
۲ - Nilly	۵ - Micon	۳ - Alphonse de Lamartine	
۱ - Graziella	۹ - Nîmes	۸ - Rome	۷ - Florence

ویکتور هوگو

ویکتور هوگو^۱ در ۲۶ فوریه ۱۸۰۲ در شهر بزانسن^۲ متولد شد و پدر او کنت سیگیزبر^۳ هوگو نام داشت. خانواده هوگو در سال



Victor Hugo

۱۸۱۱ پس از مسافرت کوتاهی با ایتالیا و اندک توفقی در پاریس با اسپانیول منتقل شد. چه در آن هنگام ژوزف بناپارت^۴ برادر ناپلئون

۱ - Victor Hugo ، ۲ - Besancon ، ۳ - Comte Sigisbert Hugo ، ۴ - Joseph Bonaparte

پادشاهی اسپانیا قبول منصرف شده و پدر هر گوهم ، که سمت ژنرالی داشت ، از جمله همراهان وی بود . لکن سالی پیش نگذشت که هوگو با مادر خویش پاریس بازگشت و بمدرسه شبانه روزی داخل شد و چون او را بادیبیت اشتیاق فراوان بود در سال ۱۸۱۸ مدرسه را با نوشته ادبی فراوان از غزلیات و قصائد و ته آثر ها و غیره ترک گفت .

در سال ۱۸۲۲ قسمتی از دیوان قصائد و ترجیعات خویش را که در آن از خانواده بوربن هواخواهی کرده بود انشار داد و بدین سبب لوئی هجدهم او را سالی هزار فرانک وظیفه معین کرد . یکسال بعد حکایت معروف همان دیوان را منتشر ساخت و انتشار کتاب مزبور که بسبب زمانیک و برخلاف اصول سبک کلاسیک گذشته شده بود ادباً و نویسندگانی را که پیرو سبک اخیر بودند سخت برهنگو خشمگین ساخت و مخصوصاً چون در سال ۱۸۲۶ قسمتی دیگر از دیوان قصائد و ترجیعات را منتشر کرد و در دیباچه آن اصول نظم و نثر قدیم را انتقاد نمود . نزاع و غوغائی عجیب بین نویسندگان زمان پدید آورد . کلاسیکها او را دیوانه و نادان بشمردند و از هیچگونه دشمنی درباره وی خود داری نداشتند .

پیش از هوگو نیز ، چنانکه سابقاً گذشت ، آثار رمانیسیم در کتب شامویریان و مادام اسال و لامارتین ظاهر شده بود . لکن چون هوگو در ترویج سبک مزبور ببتقدم شد و در راه مقصود از موانع نهراسید و از تهمت و خصومت محالمنین یعنی بدل راه نداد او را مبتکر و موجد رمانیسیم میخوانند .

ویکتور هوگو در سال ۱۸۲۷ تا آخر کرمول را نوشت و در مقدمه آن باز از توصیف سبک جدید مضایقه نکرد. پس از آن قسمتی دیگر از دیوان قصائد و ترجیعات و دیوان اشعار شرقی^۱ و کتاب اجتماعی آخرین روز يك محكوم^۲ را نگاشت: کتاب اخیر شرح حال محكوم باعدامیست که اندیشه ها و مطالعات یومیه خویش را بیان می کند و هوگو بدینوسیله قوانین ناپسند و عاجز کش اجتماعی را انتقاد کرده است. در سال ۱۸۳۰ تا آخر از نانی^۳ و حکایت معروف نتردام دو پاری^۴ و کتبی دیگر را انتشار داد و در سال ۱۸۴۱ پس از مخالفت های بسیار عضویت آکادمی فرانسه پذیرفته شد. در ۱۸۴۸ نیز با شصت هزار رأی بنماینده گی ملت انتخاب گشت. لکن بهیچیک از مراکز سیاسی متکی نشد و برای نشر عقاید و افکار خود روزنامه ای بنام حوادث^۵ تأسیس کرد.

در سال ۱۸۴۸ که لوئی ناپلئون بریاست جمهوری فرانسه منتخب شد، هوگو را با انتخاب او موافقت نبود. لذا در مجلس بر ضد وی نطقها کرد و در عزل او از آنمقام کوشش بسیار نمود. در دوم دسامبر ۱۸۵۱ ناپلئون کودتا کرد و بالنتیجه جمعی از مخالفین وی که هوگو از جمله سران ایشان بود از فرانسه تبعید شدند و او شرح این کودتا و تفصیل متواری شدن خویش را در کتاب تاریخ يك جنایت^۶ مفصلاً بیان کرده است.

تبعید ظاهراً بر جبهه طلبی هوگو از لحاظ سیاسی شکستی وارد ساخت. ولی در معنی برای تهرتك قریحه ادبی او مهربان بود. پس از آنکه چند ماه در بروکسل اقامت گزید. از آنجا نیز بنا بر

۱ - Les Orientales . ۲ - Le dernier jour d' un condamné . ۳ - Henau . ۴ -

۵ - Evénements . ۶ - Notre Dame de Paris .

۷ - Histoire d' un crime .

میل دولت فرانسه رانده شد و بجزیره ژرزه^۱ پناه برد و کتاب **مکافات**^۲ را در آنجا پرشته نظم کنید. سپس به همراهی شصت نفر از تبعید شدگان روزنامه ای بنام **افسانیت**^۳ تأسیس کرد، لکن در ۱۸۵۵ از جزیره مزبور نیز اخراجش کردند و ناگزیر بجزیره **گرنزه**^۴ منتقل شده نگارش نخستین قسمت **افسانه قرون**^۵ را که از بدایع قریحه اوست آغاز نمود. در سال ۱۸۶۰ شاهکار معروف خویش **تیره بیختان**^۶ را که در ۱۸۴۵ شروع کرده بود پایان رسانید. این کتاب شاهکار ادبیات فرانسه است و بلکه در ادبیات اروپا نیز نظیر آنرا کمتر میتوان یافت. پس از آن حکایات دیگر خویش مانند **کارگران دریا**^۷ و **مردیکه میخندد**^۸ و **نودوسه**^۹ را که هر یک از شاهکارهای ادبی عالم بشمار است انتشار داد.

هوگو در پنجم سپتامبر ۱۸۷۰ پاریس بازگشت و زمانی که سپاهیان آلمان شهر پاریس را محاصره کرده بودند در آن شهر بود. در سال ۱۸۸۲ هوگو بسن هشتاد رسید و مردم فرانسه بدین افتخار جشنی گرفتند و ششصد هزار تن از مردم پاریس و ولایات برای ادای مراسم تهنیت برابر خانه وی گرد آمدند و چون هوگو با اطفال خویش در ایوان خانه ظاهر شد فریاد مسرت و شادی برکشیدند. شاعر پیر از خوشحالی میگریست و مردم او را سر سلسله آزادی و مظهر مردمی میخواندند.

بالاخره در ۲۲ ماه ۴۰ ۱۸۸۵ در خانه کوچک **ایلو**^{۱۰} که امروز بکوچه ویکتور هوگو معروفست، بدرود زندگی گفت. تشییع جنازه او با شکوه و جلالی که هنوز هم در فرانسه نظیر نیافته است انجام گرفت

۱ - Jersey . ۲ - Les Châtiments . ۳ - Humanité .
۴ - Guernesey . ۵ - La Légende des siècles . ۶ - Les Misérables .
۷ - Les travailleurs de la mer . ۸ - L'homme qui rit .
۹ - Quatre vingt treize . ۱۰ - Eylau .

و جسدش را بمراقبت دوازده نفر از معارین شعرا بطاق تصرف بردند
 و شب بیست و سوم مه را در آنجا بآرامی بخت
 تا پایان قرن نوزدهم چنان می نمود که هوگو نمرده است ، زیرا
 آثار طبع نشده او بیایی منتشر میشد و چنان بود که هوگو هنوز با آزمایش
 در وجه مشغول است ، گگنی مرگ سرد نیز بر فکر آتشین و طبع تند وی
 فائق نمیتوانست شد .

آلفرد دوین بی

تقریباً در همان اوقاتی که ویکتور هوگو نخستین قسمت قصائد و
 ترجمات خویش را منتشر ساخت ، مجموعه اشعاری نیز بعنوان ساده
 اشعار در پاریس انتشار یافت که از نام سراینده آن ذکر نشده بود .
 مجموعه مزبور نخستین اثر ادبی صاحب منصب جوانی بود که آلفرد دوین بی^۱
 نام داشت و پس از چندی در شاعری و نویسندگی با شعرا و نویسندگان
 بزرگ فرانسه همسری یافت .

آلفرد دوین بی در سال ۱۷۹۷ در شهر لیس^۲ (واقع در مرکز
 فرانسه کنار رود اندر^۳) متولد شد و از سال ۱۸۱۴ بخدمت لشکری
 پرداخت و در ۱۸۲۳ بر رتبه سلطانی نائل آمد . لکن او را با ادبیات اشتیاق
 فراوان بود و چنانکه گفته شد در سال ۱۸۲۲ مجموعه ای از اشعار خویش
 را که سبک رمانتیک سروده بود انتشار داد ، چهار سال بعد نیز مجموعه
 دیگری بنام **اشعار قدیم و جدید** و حکایاتی تاریخی بنام **سن مارس**^۴ منتشر
 ساخت و شهرت وی ازین زمان آغاز شد . آثار آلفرد دوین بی در لطافت
 و تأثیر از اشعار لامارتین و در مهارت و استحکام از آثار هوگو سست تر
 می نمود . لکن او را هنری دیگر بود که افکار فلسفی را با عبارات و
 الفاظ شیرین در ضمن اشعار خویش ادغامی کرد .

۱ - Poemes - ۲ - Comte Michel de Vigny - ۳ - Loche - ۴ -
 ۱ - L'Imaginaire - ۲ - Poemes antiques et modernes - ۳ -

وینیی در سال ۱۸۲۷ از خدمت لشکری کناره گرفت و نویسنده گی
پیشه کرد و تا سال ۱۸۳۵ مدیریت کتب استلو^۱ و بندگی و عظمت لشکری^۲
و نه آتر شاتر تن^۳ را انتشار داد. ته آتر اخیر را میتوان شاهکار ته آتر
نویسی بسبک رمانیک شمرد ، چنانکه انتشار و نمایش آن نیز بر شهرت
وینیی میفزود و او را با ادبای بزرگ فرانسه برابر ساخت .
در سال ۱۸۴۵ آلفرد دوینیی به آکادمی فرانسه داخل شد و
و حیات ادبی وی نیز تقریباً درین سال پایان آمد ، چه از آن پس
تا سال ۱۸۶۳ که تاریخ وفات اوست کمتر بسرودن اشعار پرداخت و
از در سنوات مزبور در جز قطعات معدودی مانند **مقدرات^۴ و مرگ^۵ گری^۶**
بر جای نموده است .

آلفرد دموسه

آلفرد دموسه^۱ در شهر پاریس نوامد یافت (۱۸۱۰) و در
آغاز جوانی نخست بتحصیل طب و حقوق و نقاشی پرداخت . لکن
طبع شاعر او با هیچیک ازین حرفه موافقت نمود و سرانجام از آنجمله
چشم پوشیده شاعری پیشه کرد . نخستین اثر منظوم او نام **حکایات اسپانی**
و ایتالیا^۲ در سال ۱۸۳۰ منتشر شد و او نیز در شاعری پرو رمانسیم
بود . پس از آن در سال ۱۸۳۶ کتاب معروف او موسوم به **اعتراف**
یکی از کودکان این زمان^۳ انتشار یافت و کتاب مزبور حاوی سرگذشتهای
دوران شباب و نماینده احساسات و عواطف ایام جوانی آلفرد دموسه است .
موسه در غزل سرائی اسناد بود . اشعار وی بسیار شیرین و
دلنشین و تأثر انگیز است . چه غالباً از ناکامی ها و آلام و مصائب
روحی شاعر حکایت میکند و چون زاده احساسات لطیف اوست خواننده

۱ - Stello . ۲ - Sc: vitule et Grandeur militaire . ۳ - Chatterton .

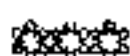
۴ - Les destinées . ۵ - La mort de loup . ۶ - Alfred de Musset .

۷ - Contes d' Espagne et d' Italie .

۸ - Confession d' un enfant du siècle .

را نیز در آلام درونی با وی شریک میسازد . مهمترین آثار نظمی
موسه قطعه شبها است که از حیث شیرینی و لطافت و تأثیر بانیکوترین
اشعار لامارتین برابر است . موسه در ته آثر نویسی نیز استاد بود ، چنانکه
در اندک زمانی بیش از دوازده نه آثر نگاشت که هر یک در مقام
خویش شاهکار است .

موسه در ۱۸۵۲ عضویت آکادمی فرانسه پذیرفته شد و در آن زمان
چهل و دو سال داشت و جوانترین اعضاء آکادمی بود ، لکن پنجسال
بیش از آن مقام ادبی استفاده نکرد و در چهل و هفت سالگی گرفتار
مرگ شد (۱۸۵۷) . گرانبهارین آثار منشور وی در اواخر عمر
حکایات شیرین و دلگشی است که عنوان سرگذشت **طرقه‌ای سفید** ^۱ نگاشته
و در زیبایی الفاظ و لطافت معانی آن استادی نموده است .



بجز اساتید بزرگوار و شعرائی که نام و شرح احوال و آثار
آنان نگاشته شد ، سبک رماتیسک را از جمله شعرا پیروان و هواخواهان
دیگری نیز بوده است که از لحاظ شاعری در مرتبه دومند و از
معارف ایشان یکی سنت بو و دیگری توفیل گوویه است .

سنت بو

شارل اگوستن د سنت بو ^۲ در سال ۱۸۴۰ متولد شد . قسمتی
از ایام جوانی وی بتحصیل طب گذشت ولی چون طبعاً شیفته ادبیات
بود از طبابت چشم پوشیده شاعری و نویسندگی پیشه کرد . از آثار
منظوم او کتب **دلداریهها** ^۳ و **افکار ماه اوت** ^۴ معروفست ، لکن چون
در شاعری بیایه لامارتین و هوگو و دیگر اساتید زمان نرسید ناچار

۱ - Les Nuits . ۲ - L'histoire d'un merle blanc - ۳

۴ - Les Consolations - ۵ - Charles Augustin de Sainte-Beuve - ۶

۷ - Les Pensées d'août - ۸

دست از سرودن اشعار بیست و با نقاد . که بنا بر قول لامارتین قدرت
 ناتوانست . پرداخت و از طریق شهرتی حاصل کرد . مقالات انتقادیّه
 او که غالباً در روزنامه کنستی قوسیونل^۱ بعنوان مکالمات دو شبه^۲
 درج میشد اکنون جداگانه بطبع رسیده و حاوی انتقادات و عقاید سنت بو
 نسبت با آثار منظوم و منثور نویسندگان و شعرای قدیم و اخیر اروپاست .
 سنت بو در سال ۱۸۴۰ با آکادمی فرانسه پذیرفته شد و در ۱۸۶۹
 در گذشت .

توفیل گوتیه

توفیل گوتیه در سال ۱۸۱۱ تولد یافت . در جوانی یکچند
 از پی هاشی رفت . وای در آن فن پیشرفتی نکرد و بشاعری روی نمود .
 نخستین اثر منظوم وی بنام اشعار در ۱۸۳۰ انتشار یافت او نیز
 از هواخواهان رهاسسم و مدافعین صدیق ویکور هوگو بود . از جمله
 آثار وی کتب مضحکه مرسی^۳ و اشک شیطان^۴ معروفست .



از مشخصات شعرای قرن نوزدهم یکی تنوع آثار اسان و در
 چه هر يك از آنان طبع خود را علاوه بر شاعری در دیگر رسبهای
 ادبی نیز می آزمود . چنانکه ویکور هوگو در فنون شعر و خطابه
 و تبه آترنوبسی و داستان سرائی تماماً طبع آزمائی کرد
 و در آنجمله اسنادی حوش را آشکار ساخت . غیر از هوگو سایر
 شعرای قرن نوزدهم بسمر بداستان سرائی می پرداختند وای غالباً
 درین فن نویسندگان زبردسی که هر اسان مخصوصاً سگارس حکامات
 بود همسری نمیتوانسد کرد از داستان سرام معروف سوه اول قرن

۱ - Les causerie de lundi - ۲ Constitutional - ۱
 ۳ Le comédie de la mort - ۴ Eugène Gautier - ۲
 ۵ L'histoire de Diable - ۵

نوزدهم بزکر اسامی و مختصر شرح حال **بالزاک** و ژرژسان و
آلساندر دومای بزرك قناعت میکنیم .

بالزاک

هونوره دو بالزاک^۱ از جمله معارف داستان سرایان و قصه
پردازان فرانسه است که در سال ۱۷۹۹ در شهر تور^۲ قدم عرصه
وجود نهاد . در آغاز جوانی بکچند بنشر کتب دیگران و امر طبع
پرداخت و سرانجام خود داستان سرایی پیشه کرد و در ۱۸۲۹ کتبی
بمنوان **اژنی گرانده**^۳ و **بابا سموری**^۴ و **روستایان**^۵ و غیره انتشار داد.
در آثار خویش بیشتر توصیف و نمایش احوال اجتماعی زمان خود
متوجه بود . در وصف و تعریف اشخاص داستانهای خویش چنان
مهارت بکار برده است که اشخاص حکایات او امروز غالباً در فرانسه
ضرب المثل شده اند . در بیان اخلاق و آداب و وضع زندگانی مردم
زمان خود نیز چنان دقیق و باریک بین بوده است که مورخین گمنهای
وی را از جمله مدارک صحیح^۶ تاریخی میشمارند. بالزاک در سال
۱۸۵۰ وفات یافت .

ژرژسان

ژرژسان^۷ نام ساخنگی **بارون دودوان**^۸ نواده موریس دساکس^۹
فاح معروف **فوقته نرا**^{۱۰} بود. نخستین کتاب وی بنام **انديانا**^{۱۱} در سال
۱۸۳۲ انتشار یافت و داستان مزبور مقدمه شهرت او گشت . ژرژسان
چون با جمهوری طلدان و برخی از هواخواهان مسلک سوسالیسم رابطه
داشت شایسته شیفته افکار و عقاید ایشان شد و حکایاتی چند در تحریف
و تشریح مسلک مزبور نگاشت. پس از آن با انتشار حکایات روسای

۱ - Honoré de Balzac - ۲ - Tours - ۳ - La vie privée - ۴ -

George Sand - ۵ - Les Paysans - ۶ - Le Père Goriot - ۷ -

Fontenay - ۸ - Maurice de Saxe - ۹ - Baronne du devant - ۱۰ -

(این محل در بلژیک است و در آنجا جایی سرداری ژرژال موریس دساکس رسدگامیسیال

درمان لویی باردهم روی داد و سپاهیان را کلبیس معلوب شدند) India ۱۰۱

پرداخت و ازینجهت شهرت بسیار یات. ولادت او در سال ۱۸۰۴ و مرگش در سال ۱۸۷۷ بوده است.

آلكساندر دوما

آلكساندر دوما یکی از اساتید نویسندگان ته آثر و حکایات بسبک رمانتیک است که چندی با ویکتور هوگو در درام نویسی دعوی همسری داشت . تولد او در سال ۱۸۰۳ روی داد و واسطه آنکه پدرش در ۱۸۰۶ وقت یافت ، تحصیلات وی با نهایت بی ترتیبی انجام گرفت . نخستین اثری که موجب شهرت وی گردید درام **هانری سوم** و **دربار او** بود که آنرا در سال ۱۸۲۹ نمایان دادند ، دوران شهرت کامل او زمان سلطنت لوئی فیلیپ است . چه درین زمان درامها و حکایات تاریخی بسیار نگاشت . اهمیت داستانهای الکساندر دوما بیشتر بواسطه جنبه تاریخی آن و سبک ساده و مهارت و شیرین زبانی نگارنده است که موجب شهرت وی در سراسر عالم گشته است . مهم ترین حکایات تاریخی او که مشهور خاص و عامست ، داستان **کنت منت کریستو** و سه **تنگنا دار** است که اولی ، متدرجاً از سال ۱۸۴۱ تا ۱۸۴۵ و دومی در سال ۱۸۴۴ انشمار یافت . دوما در ۱۸۶۰ سمیری بجزیره سیسیل و باپل کرد و پس از بازگشت بفرانسه در سال ۱۸۷۰ درگذشت . هیچیک از نویسندگان فرانسه در وسعت فکر و قدرت فریحه دانستن پردازی بنایه او نرسیده و مانند وی از خویشمن آثار فراوان رجای نهاده است ، غیر از کتب معروف سابق الذکر داستانهای بسیاری در تاریخ سلطنت لوئی سیزدهم و چهاردهم و دوران انقلاب و امپراطوری فرانسه نگاشته که کتب **ژرف بالسامو** و **آثر پیتو** و **کنتس دشارنی**

و هم‌گردن بنامملکه^۱ و شوالیه دهمزن روژ^۲ از آنجمله است .

مورخین

پیش از قرن نوزدهم و در آغاز قرن مزور تا سال ۱۸۲۵ تاریخ نویسی در اروپا ترتیب صحیحی نداشت، چه تا آن زمان غالب مورخین فقط بیان وقایع و ذکر سنوات پرداخته، بی آنکه مدارک اساسی مراجعه کنند، بشرح و بسط آثاره نقد مبن یا بگرد آوردن خلاصه‌ای از تواریخ قدیم قناعت می‌کردند. تتبع و تحقیق و انقباد و مراجعه بآثار و شواهد تاریخی مرسوم نبود و مورخ بهیچوجه از اخلاق و آداب و احوال اجتماعی و لشکری و تمدن و طرز فکر و زندگانی پیشینیان سخنی نمی‌گفت. چنانکه در تاریخ وی فی‌المثل شرح حال یکی از سلاطین قرون وسطی با آنچه دربارهٔ یکتن از پادشاهان قرن هجدهم می‌نگاشت متشابه بود و خواننده از مطالعهٔ تاریخ جز یک سلسله حوادث چیزی استنباط نمی‌کرد و باحوال روحی و اجتماعی نیاکان بی‌نیتوانست‌برد. پس از آنکه ادبیات اروپا بواسطهٔ ظهور رمانیسم رنگ دیگر گرفت در تاریخ نویسی نیز تغییراتی پدید آمد و مورخین مطالعه در احوال اجتماعی و روحی و اخلاق و طرز زندگانی پیشینان را از ذکر حوادث و شرح منازعات و بیان دسائس سیاسی برتر شمردند. سبک جدید تاریخ نویسی در فرانسه مرهون استعداد و همت و کوشش آگوستن تی‌یری^۳ و میشله^۴ است که با مراجعه باسناد و مدارک اساسی ب جستجوی حقایق تاریخی پرداختند و احوال اجتماعی و روحی مخصوص هر عصری را از مطالعهٔ وقایع آن عصر دریافتند.

آگوستن تی‌یری

نخستین کسی که طرز نگارش تاریخ را تغییر داد آگوستن تی‌یری

Le Chevalier de Maison-Rouge - ۲ Le collier de la Reine - ۱
Jule Michelet - ۱ Augustin Thierry - ۲

بود (۱۸۰۵ تا ۱۸۵۶) که در سال ۱۸۲۰ با نقاد سبک تاریخ نویسی قدیم پرداخت و پس از پنج سال کتاب معروف خویش **تاریخ فتح انگلستان از جانب فرماندها** را نگاشت که سرمنشی تاریخ نویسی سبک جدید و مبتنی بر تحقیقات و تبعات فاضلانۀ نوپسندۀ است. چندی بعد آگوستن تی ری بواسطه مطالعه بسیار ناپیوسته ، ولی باز از فن خود دست نکشید و در زمان سلطنت لوئی فیلیپ کتبی چند نگاشت که مهمترین آنها شرح دوران حکومت مرو و نژیهاست .

همیشه

قسمتی از تاریخ فرانسه . قسمی که آگوستن تی ری مایل بود ، بتوسط ژول همیشه (۱۷۹۸ الی ۱۸۷۴) نگاشته شد . همیشه فرزند یکی از مدیران مطابع بود که در زمان سلطنت ناپلئون بامر طبع اشغال داشت و در ۱۸۱۰ بواسطه آنکه ناپلئون عده ای از مطابع را تعطیل کرد ، ورشکست گردید . همیشه در کودکی یکچند در مطبعه پدر بحروف چینی مشغول بود ، پس از آن بواسطه ذوق فطری بمدرسه رفت و در سال ۱۸۲۱ تحصیلات خویش را پابان رسانیده بمقام معلمی مدارس عالیه نائل آمد و در سال ۱۸۳۳ بتألیف تاریخ مفصل فرانسه پرداخت و سی و چهار سال درینراه رنج برد و سرانجام بنیروی همت و اشتیاق در ۱۸۶۷ کتاب مزبور را پابان رسانید . آثار همیشه غالباً از جمله شاهکار های تاریخ و ادبی فرانسه است .

فلاسفه

از فلاسفه معروف فرانسه در نیمه اول قرن نوزدهم فقط بد ذکر نام و مختصری از شرح احوال **اسکوستانت** که پس از دکارت بزرگترین فلاسفه فرانسه است ، فاعت میکنیم .

۱ - Histoire de la conquête de l'Angleterre par les Normands - ۲
۲ - Descartes - ۳ - Auguste Comte - ۴ - Rits des temps mérovingiens - ۵

اگوست کنت در سال ۱۷۹۸ در شهر من پلیه^۱ از بلاد فرانسه تولد یافت و تحصیلات مقدماتی را در آن شهر پایان برد . سپس در هجده سالگی پاریس رفت و در آنجا بادامه^۲ تحصیل پرداخت . زمانی شاگرد فیلسوف معروف فرانسوی سن سیمون^۳ (۱۷۶۰ تا ۱۸۲۵) بود ، لکن در سال ۱۸۲۴ از پیروی وی چشم پوشید و پس از چندین کتاب اساسی خویش را که در فلسفه استدلالی یا اثباتی نگاشته بود انتشار داد . اگوست کنت در سال ۱۸۵۷ در گذشت^۴ .

ادبیات انگلیسی و آلمان در نیمه اول قرن نوزدهم

نیمه اول قرن نوزدهم را در تاریخ ادبیات انگلستان و آلمان اهمیت بسیار است ، چه ادبیات این دو مملکت در اواخر قرن هجدهم و نیمه اول قرن نوزدهم بواسطه وجود شعرا و نویسندگانی که ظهور رمانتیسیم و ترقی ادبیات اروپا فی الحقیقه مرهون قریحه ایشانست ، ترقی بسیار کرد .

۱- ادبیات انگلستان .

تاریخ ادبیات انگلستان از سال ۱۸۱۰ تا ۱۸۲۲ بوجود دو شاعر نبردست غزل سرا آراسنه است . یکی **لرد بایرن**^۵ و دیگری **شلی**^۶ .

لرد بایرن

لرد بایرن از خانواده استوار^۷ بود و در سال ۱۷۸۸ قدم بعرصه وجود نهاد . دوره تحصیلات وی در دارالفنون کمبریج پایان رسید و نخستین اشعار او بعنوان **ساعات بیکاری**^۸ در سال ۱۸۰۸ انتشار یافت . چون اشعار مزبور غالباً سست و نارسا بود مورد انتقاد یکی از مجلات انگلیسی شد و شاعر جوان بدین واسطه آزرده خاطر گشته منظومه ای

۱ - Montpellier . ۲ - Saint - Nimon .

۳ - چون ذکر مفاید فلاسفه از موضوع بحث ما خارجست عقیده فلسفی اگوست کنت را بیان نکردیم .

۴ - Lord Byron . ۵ - Shelley . ۶ - Stuart .

۷ - Les heures de loisir .

بتوان هجو شعرای انگلیسی و منتقدین اکسی^۱ در هجو منتقدین انتشار داد و از تیراه شهرتی یافت ، سپس در سال ۱۸۰۹ بعزم ایران و هندوستان راه سفر پیش گرفت و ممالک پرتغال و اسپانی و یونان و عثمانی را سیاحت کرد ، و چون بقسطنطنیه رسید از سفر ایران و هند چشم پوشید . لکن اینمساقت در استعداد ادبی وی مؤثر افتاد و دو قسمت اول از منظومه معروف خویش موسوم به چایلد هرلد^۲ را درین سفر برشته نظم کشید . منظومه مزبور حاوی آلام و مصائب روحی و احساسات باطنی شاعر است . بایرن در ۱۸۱۲ بانگلستان بازگشت . ولی باز در زندگانی شخصی وی وقایعی روی داد که تاگزیر در ۱۸۱۶ بار دیگر وطن را ترک گفته در ممالک اروپا سیاحت پرداخت و منظومه چایلد هرلد را در سویس پایان رسانید . بالاخره در سال ۱۸۲۳ بیونان سفر کرد و بیاری انقلابیون آنسرزمین با ترکان عثمانی بجنگ پرداخت و در محاصره شهر می سولو^۳ نفی^۴ بهلاکت رسید از آثار او منظومه دن ژون^۵ و درام مانفرد^۶ معروفست .

شلی

شلی در ۱۷۹۲ تولد یافت و تربیت و تحصیل او در ایام جوانی بواسطه سختگیریهای پدر و معلمین از طریق صواب منحرف گشت . عاقبت نیز بعلت طلاق گفمن زن و دور ماندن از کودکان خویش انگلستان را ترک گفته بدریا نوردی پرداخت و سرانجام در سی سالگی گرفتار امواج دریا گشت ، و امواج پبکر وی را بساحل ایتالیا افکند . در آنجا لرد بایرن و تنی دیگر از دوستانش جسد او را بسوختند . از آثار شلی منظومه ملکه ماب^۷ و آزادی پر مه^۸ که آمیخته بنکات فلسفی و زاده احساسات شخصی او میباشد معروفست .

۱ - La Satire des Poètes anglais et des Critiques écossais - ۱

۲ - Don Juan - ۳ . Missolonghi - ۴ . Childe Harold - ۵

۶ - Prometheus delirio - ۷ . La Reine Mab - ۸ . Manfred - ۹

داستان سرایان انگلیس والتراسکات

از داستان سرایان معروف انگلستان در نیمه اول قرن نوزدهم یکی **والتراسکات** است (۱۷۷۱ تا ۱۸۳۲) ، که در جوانی از جماعه شعرا و بیرو رماتیسم بود . لکن چون اشعار لرد بایرن انتشار یافت از شاعری چشم پوشیده بنگارش داستانهای تاریخی پرداخت و ازین طریق در انگلستان و دیگر ممالک اروپا شهرت بسیار یافت . کتب **آی ونهو** و **عتیقه فروش** و برخی کتب دیگر که از جماعه شاهکار های او و ادبیات اروپاست . بهیض انتشار بسائر السنه اروپائی و مخصوصاً فرانسه ترجمه میشد و مردم فرانسه را بقرائت کتبوی اشتیاق فراوان بود . فی الحزیفه رواج داستانهای اسکات در میان مردم فرانسه برای داستان سرایان فرانسوی مانند آلکساندر دوما و امثالوی بسیار مفید افتاد . چه حکایات شیرین و دلکش و التراسکات پیش از آنکه در فرانسه داستانی انتشار یابد . فرانسویان را بقرائت حکایات و قصص مایل و مشتاق ساخت .

شارل دیکنس

یکی دیگر از داستان سرایان انگلستان **شارل دیکنس** است (۱۸۱۲ تا ۱۸۷۰) که موضوع حکایات خویش را غالباً از اخلاق و احوال اجتماعی مردم اتخاذ میکرد و چون خود نخست روزنامه نگار بود از اخلاق و احوال مردم آگاهی کامل داشت . کتب سرگذشت **نیکلانیکی** و **اوراق کلوب پیک ویک** از آثار معروف اوست و مخصوصاً کتاب دومین معرف ذوق و استعداد مخصوص او در مطایبات و فکاهیاست .

۱ - Walter Scott . ۲ - Ivanhoe . ۳ - L'Antiquaire .

۴ - Charles Dickens . ۵ - Nicolas Nickleby .

۶ - Les papiers posthumes du club Pickwick .

مورخین انگلیس

سبک جدید تاریخ نویسی در انگلستان بعد از فرانسه رواج یافت و معروفترین کسی که موجب ترویج آن گردید **لرد ماکوله** است.

لرد ماکوله

لرد ماکوله فرزند یکی از تاجران آکس بود که در سال ۱۸۰۰ متولد شد و در سی سالگی بوکالت مجلس عامه انگلستان بائل آمد. سپس به هندوستان سفر کرد و پنج سال در آن سرزمین بانجام و اموریتی سیاسی اشتغال داشت. در سال ۱۸۳۹ مجدداً با انگلستان بازگشته وزارت جنگ منصوب گشت. ماکوله نخست شاعر بود، لکن ذوق فطری او را بمطالعات تاریخی برانگیخت. ماکوله نیز مانند آگوستن بی پری و میشاه معتقد بود که تاریخ بایستی آئینه دنیای گذشته باشد، چنانکه خواننده از مطالعه آن بحقیقت احوال پیشینیان و علل حوادث تاریخی بی بواند برد. مطالعه در اوضاع اجتماعی و اخلاق و طرز زندگی پیشینیان در نظر ماکوله اهمیت بسیار داشت، چنانکه در یکی از کتب خویش می نویسد: «بهرتر آنست که مورخین گاه در شرح منازعات ملل و ذکر دسائس سیاسی باختصار پرداخته در عوض اندکی باخلاق و آداب و احوال اجتماعی نیاکان توجه کنند.» مهندترین آثار ماکوله تاریخ انگلستان از آغاز جلوس ژاک دوم میباشد. وفات او در سال ۱۸۵۹ روی داد.

کارلایل

یکی دیگر از مورخین معروف انگلیس در نیمه اول قرن نوزدهم **توماس کارلایل** است. این مرد نامی در سال ۱۷۹۵ موالد شد و در ۱۸۸۱ درگذشت. او نیز مانند ماکوله از اهالی آکس بود. در جوانی بتعلیم ریاضیات و علوم اشتغال داشت ولی سخت بیفنه آثار ادبی

شیلر و گوته بود و آندو شاعر زبر دست را «ارواح دو گانه آلمان» میخواند و همین شیفتگی نیز او را بترجمه بسیاری از آثار گوته و نگارش شرح حال شیلر برانگیخت .

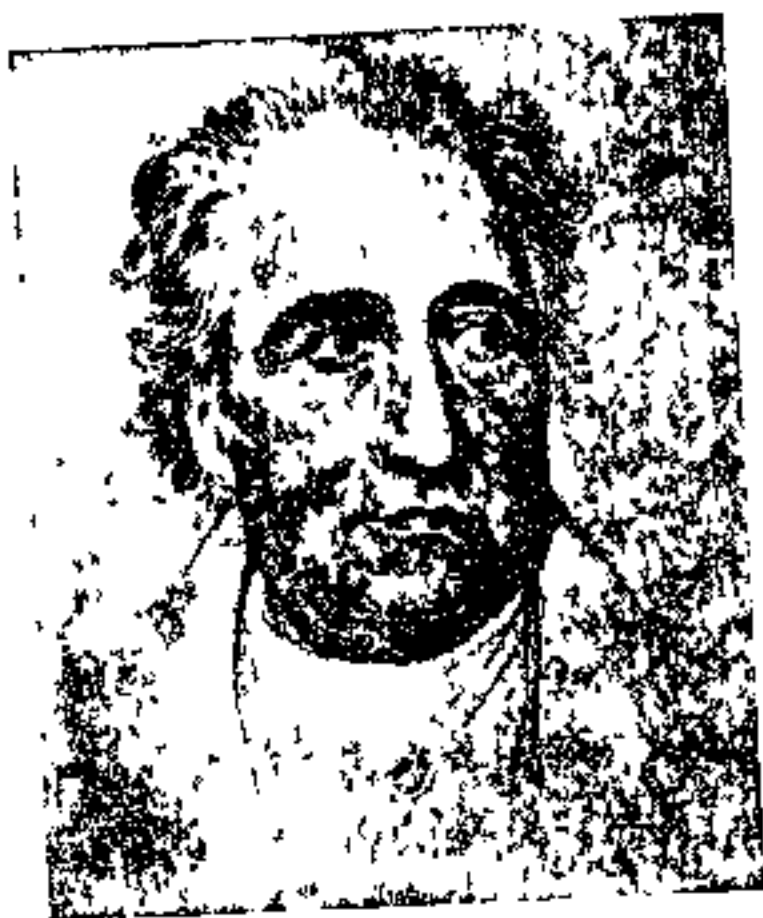
از کتب معروف او یکی تاریخ انقلاب فرانسه است. در کتاب مزبور انقلاب فرانسه و افکار رجال دوران انقلاب را سخت انتقاد کرده و از نتیجه فرانسویان او را پیرو احساسات شخصی خویش می‌شمرند و بر آنند که چون آلمان را دوست میداشته با فرانسه دشمن بوده است. معروفترین آثار کارل لایب کتایست که بعنوان **بزرگان** نگاشته (۱۸۵۱) و در آن کتاب بمطالعه احوال چند تن از مشاهیر عالم مانند حضرت رسول و کرمول و فردریش دوم پرداخته است .

۲ - ادبیات آلمان

ادبیات آلمان تا اواسط قرن هجدهم اساس صحیحی نداشت و نویسندگان و شعرای آن مملکت بیشتر پیرو ادبیات فرانسه بودند چنانکه نویسندگان و شعرای کلاسیک فرانسه سرمشق ایشان بود . انقلاب ادبی آلمان از اواسط قرن هجدهم آغاز شد و از مسبین معروف آن یکی **لایبگ** بود (۱۷۲۹ تا ۱۷۸۱) که از پیروی آثار نویسندگان فرانسه چشم پوشید و با نقاد ته آثرهای حزن انگیز آن مملکت پرداخته در آتهای شکسپیر را از آثار **گرفی وراسین** برتر شمرد . پس از وی دو نفر شاعر و نویسنده زبر دست بوجود آمدند که برتو وجود ایشان محیط تاریک ادبیات آلمان را روشنی بخشید و آن مملکت را از ایحاط ادبی با مسالت فرانسه و انگلیس برابر ساخت و نام آندو **بزرگوار گوته** و **شیلر** است .

گوته

ژان ولفگانگ گوته شاعر و فیلسوف و نویسنده آلمانی در سال



۱۷۴۹ در شهر فرانکفورت
 بوجود آمد. پدر او از
 جمله نروئندان و فهمای
 معروف آلمان بود.
 گوته ایام جوانی را
 در شهرهای لایپزیک^۱
 و استراسبورک^۲ بحصول
 علم حقوق و فقه گذراند
 و چون برتبه دکتری
 نائل آمد دل بر ادبیات

بست و در شهر ویمار^۳ اقامت گردید.

نخستین نگارش ادبی او درام گتزدویر لیخن گن^۴ است که در سال
 ۱۷۷۲ وشنه و دومین کتاب وی که فی الحقیقه شاهکار ادبی اوست
 سرگذشت ورتز می باشد که در سال ۱۷۷۴ منسوخ شد. کتاب اخیر
 شرح حالی از ایام جوانی شخص شاعر است که نماینده احساسات
 باطنی و عواطف بی آلاش اوست. گوته نیز مانند ویکتور هوگو در
 تمام رنجهای ادبی از تر و نظم و به آثر بوبسی و داسمان سرایی
 و انعام اسناد بود و سنت و او را « در گسرتن مسعد عصر جدید،
 خوانده است. از علوم طبیعی و گناه شناسی نیز اطلاع کامل داشت.
 چنانکه کسینی چند در باب نبات و الوان و غره نگاره است.
 مهمربن آنار وی پس از ورتز به آثر حرن انگیز ایفی ژنی

Weimar - ۳
 Weithen - ۵

Strasbourg - ۲
 Gaetze de Beilichengen - ۴

Leipzig - ۱

در توریدا و منظومه هرمان و دروته^۱ و ته آتر مذهبی فوست^۲ است .
ته آتر اخیر در سال ۱۷۹۸ منتشر شد و فی الحقیقه مظهر دوره کامل
زندگانی و معاشقات و اسرار و عقاید شاعر است . گوته در ۱۷۹۴
با شیلر دوستی گزیده . در سال ۱۸۰۸ نیز نابلسون در شهر ارفورت^۳
پدیدار او رفت و ساعتی چند بمصاحبت وی گذرانیده او را نشان
لژیون دونور^۴ عطا کرد . در سال ۱۸۱۵ گوته کتب حقیقت شعر و
یادداشتهای من و دیوان شرقی و قسمت دوم و سوم فوست را نگاشت
و سرانجام در بیست و دوم ماه مارس ۱۸۳۲ در شهر ویمار بدرود
زندگانی گفت .

شیلر

ژان کریستوف فردریک شیلر^۱ دهسال از گوته جوانتر بود .
پدر شیلر نخست در سپاه آلمان سمت جراحی داشت و کم کم بحاجب
منصبی نائل شد . خانواده وی مردمانی عالیمقام نبودند و مشاغل
ایشان از قبیل نانوائی و مدیری مهمانخانه و امثال آن بود . شیلر
نخست بنا بر میل پدر و مادر بتحصیل علوم الهی پرداخت و از آن
پس چندی در کسب علوم طب و حقوق رنج برد . لکن روح شاعر
او بهیچیک از علوم مزبور مایل نبود و در حفا برائز ذوق فطری
از مطالعه کتب ادبی غافل نمی نشست .
شیلر هفت سال تمام در مدرسه شهر اشتوتگارت^۲ بسر برد . چنانکه
از دنیای خارج مدرسه بکلی بی اطلاع میزیست و بواسطه تصورات
شاعرانه و مطالعه کتب روسو و امثال او بر نوع بشر بدیده خصومت
می نگریست و این دشمنی در آثار دوران جوانی او مانند درامهای

۱ - Iphigénie en Tauride . ۲ - Hermann et Dorothee .

۳ - Erfurt . ۴ - Faust . ۵ - Legion d'honneur .

۶ - Jean Cistophe Fréderic Schiller .

راهزنان^۱ و خدعه و عشق^۲ بخوبی آشکاراست. شیلر عاقبت از مدرسه بگریخت و پس از تحمل سرگردانیها و مشقات فراوان در سال ۱۷۸۷ بشهر ویمار رفته چندی بعد با گونه دوستی گرید و رشته دوستی آندو چنان محکم شد که آثار ادبی خود را با موافقت و صوابدید یکدیگر انتشار میدادند. کم کم بواسطه مطالعه کتب فلسفی کانت^۳ توجه شیلر بسوی فلسفه معطوف گشت و برای اینکه افکار فلسفی خویش را تقویت کند از ادبیات دوری جسته بندریج کتب تاریخی و فلسفی خود مانند تاریخ انقلاب هند و تاریخ جنکسی ساله و غیره را انتشار داد. توجه شیلر بتاریخ و فلسفه افکار او را یکباره دگرگون ساخت و خصومتی را که نوع بشر داشت از خاطر وی دور کرد. ته آتر هائی که در اواخر عمر نوشته است، مانند ته آتر ماری استوار و ژاندارک و ویلهلم تل جمالگی حاکی از عقاید فلسفی اوست. شیلر در سال ۱۸۰۵ وفات یافت.

هانری هاین

پس از گوته و شیلر معروفترین شاعر آلمان در نیمه اول قرن نوزدهم هانری هاین^۴ است که اصلاً یهودی بود و در سال ۱۷۹۹ در شهر دوسلدورف از بلاد آلمان متولد شد. هانری هاین نخست بتجارت و امور صرافیه و تحصیل علم حقوق پرداخت، لکن عاقبت نویسندگی بشه کرد و در بیست و هفت سالگی بواسطه انتشار کتب تأثرات سفرها^۵ و کتاب ترانها^۶ سخت منهور گشت، سپس در سال ۱۸۳۱ باریس رفت و چون مجلس ممالک منجده آلمان بنا بر سیاست اتحاد مقدس کتب او را نیز از جمله کتب مخالف مذهب شمرده

۱ - Kant

۲ - Intrigue et amour

۳ - Les Brigands

۴ - Henri Heine

۵ - Impressions de voyages

۶ - Le livre des Chansons

توقیف کرد، در فرانسه اقامت گزید و تا ۱۸۵۶ که سال وفات اوست در آن مملکت بسر برد.

فلاسفه آلمان

سرزمین آلمان همچنانکه در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، در ادبیات طریق کمال سپرده بود، در فلسفه نیز ترقی بسیار کرد و در آن مملکت فلاسفه بزرگی پدید آمدند که آثار ایشان بنیان نهضت فلسفی قرن نوزدهم گردید، از معاریف فلاسفه آلمان درین دوره یکی **کانت** و دیگری **هگل** است.

کانت

امانول کانت ۱ فرزند مردی سراج و اصلاً از مردم اکس بود که در شهر **کنیکس برعم** ۲ از بلاد آلمان تولد یافته (۱۷۲۴) هم در آن شهر تربیت و بمرد، زندگانی کانت را وقایع قابل ذکری نیست، چه مدت عمر را تماماً سرگرم افکار و عقاید فلسفی خویش بود، چنانکه حتی از تولد گاه خود نیز فرسنگی چند فراتر نرفت. کانت در مدت ده سال سه کتاب اساسی بنام **انتقاد عقل نظری** ۳ و **انتقاد عقل عملی** ۴ و **انتقاد قوه حاکمه** ۵ نگاشت و این هر سه کتاب از جمله شاهکارهای عقلی بشر است، همچنانکه ادبیات آلمان در اواخر قرن هجدهم در ترقی ادبیات فرانسه و سایر ممالک اروپائی مؤثرانفاد، افکار فلسفی کانت نیز در بسیاری از نویسندگان معاصر وی تأثیر کرد و موجب ظهور عقاید فلسفی جدید در سایر ممالک اروپا گردید. کانت در سال ۱۸۰۴ در گذشت.

هگل

هگل ۲ در سال ۱۷۷۰ تولد یافت و دوران جوانی را در

۱ - Emmanuel Kant - ۲ - Königsberg.

۳ - La Critique de la raison pure - ۴

۴ - La Critique de la raison pratique - ۵

۵ - La Critique du jugement - ۶ - Hegel.

دارالعلوم هایدلبرگ^۱ و برلن بتحصیل گذرانید. در سال ۱۸۱۶ کتابی بنام منطق^۲ نگاشت و چندی بعد عقاید فلسفی خویش را بعنوان دائرة المعارف علوم فلسفی^۳ منتشر ساخت. منتقدین بزرگ اروپا هگل را در قوای عقلی با ارسطو و کانت برابری شمرده اند. هگل از لحاظ سیاسی معتقد بود که افراد و خانوادها جزئی از اجزاء دولتند، پس دولت میتواند در انجام مقاصد خویش بر آنها چون آلات و ادوات کاربند گردد، و نیز چون هر دولتی در مجموعه دول و هرملتی در مجمع ملل جزئی بیش نیست. پس دول و ملل قویتر، که قوت آنها خود دلیل برتری آنهاست، حق دارند بر دول و ملل ضعیف حکومت کنند. هگل در سال ۱۸۳۱ وفات یافت.

ترقی علوم در نیمه اول قرن نوزدهم

با آنکه ادبیات و صنایع ظریفه اروپا در نیمه اول قرن نوزدهم ترقی بسیار کرد، میتوان گفت که از لحاظ تاریخی درین مرحله پایه علوم نرسیده است، زیرا مهمترین اکتشافات و اختراعات علمی، مانند اختراع کشتی و ماشین بخار و تلگراف و کشفیات شیمیائی، که زندگی بشر را یکباره دگرگون ساخت، جملهگی از آثار نیمه اول قرن نوزدهم است. تجسس و تحقیق در علوم پیش از قرن نوزدهم نیز معمول بود، چنانکه در قرن هفدهم علماء و دانشمندان بزرگی مانند گالیله^۴ و کریسلی^۵ ایتالیائی و کپلر^۶ و لیبنتز^۷ آلمانی و دکارت^۸ و پاسکال^۹ فرانسوی و باکن^{۱۰} و نیوٹن^{۱۱} انگلیسی در راه ترقی علوم و اختراعات مفیده رنج بسیار برده بودند و بنیروی کوشش و زحمات ایشان در علوم ریاضی و طبیعی و نجوم و امثال آن پیشرفتهای فراوان

۱ - Heidelberg . ۲ - La Logique .

۳ - Encyclopédie des Sciences philosophiques .

۴ - Galilée . ۵ - Torricelli . ۶ - Képler . ۷ - Leibnitz .
۸ - Descartes . ۹ - Pascal . ۱۰ - Bacon . ۱۱ - Newton .

حاصل شده بود لکن علمای مزبور بیک رشته از علوم قناعت نکرده در یکحال برشتهای مختلف می پرداختند ، چنانکه فی المثل دکارت و پاسکال در ریاضیات و علوم طبیعی توأمآ کار میکردند و بهمین واسطه استعداد و قریحۀ ایشان در ترقی علوم چنانکه سزاوار بود مؤثر نمی افتاد .

در قرن هجدهم تحقیقات و تبعات علمی بیشتر رائج شد و بسیاری از نویسندگان بدین امر توجه کردند که از آنجمله یکی ولانو^۱ نویسنده و فیلسوف مشهور فرانسویست . علاوه بر آن علما از اتخاذ رشتهای مختلف چشم پوشیده تخصص در یک علم را بر معلومات متعدد ناقص ترجیح دادند و بالتیجه در هر یک از علوم پیشرفتهای سریع پدید آمد و از زحمات محققین نتایج مفید حاصل گشت .

در قرن نوزدهم نیز علوم ترقی بسیار کرد ، چه از طرفی هر یک از علماء رشته خاصی را برگزید و از طرف دیگر عدۀ علمای این قرن بمراتب بیش از قرون گذشته بود . علاوه بر آن علمای قرن نوزدهم بیش از پیش با یکدیگر رابطه داشتند و ازدیاد مدارس و طرز تعلیم جدید و انتشار جرائد و مجلات نیز در ترقی علوم تأثیر فراوان داشت .

علمای ریاضی و منجمین

در دورۀ انقلاب فرانسه چند نفر ریاضی دان معروف در آن مملکت پدید آمدند که از آنجمله بذکر نام و آثار لاگرانژ^۲ و مونژ^۳ و لاپلاس^۴ قناعت میکنیم . این سه نفر در بیست سالگی استاد بودند و هر سه در تأسیس دارالعلم و دارالمعلمین پاریس شرکت

۱ . Monge - ۳

۲ . Lagrange - ۲

۳ . Voltaire - ۱

۴ . Laplace - ۴

داشتند و ناپلئون بریشان بدیده احترام می‌نگریست .

لاگرانژ

لاگرانژ (۱۷۳۶ تا ۱۸۱۳) در شهر تورن^۱ واقع در ایتالیا متولد شده بود . پس از اتمام تحصیلات با آلمان سفر کرده بهمدیری آکادمی برلن انتخاب شد و کتاب معروف خود موسوم به مکانیک تحلیلی^۲ را که نتیجه بیست و پنجسال زحمت بود در آنجا منتشر ساخت و چون انقلاب فرانسه ظهور کرد فرانسه رفت . لاگرانژ یکی از موجدین سیستم متریک است .

مونژ

مونژ (۱۷۴۶ تا ۱۸۱۸) در بیست و دو سالگی پس از اتمام تحصیلات بمعلمی یکی از مدارس شهر همتر^۳ پرداخت و در آنجا هندسه ترسیم^۴ را اختراع کرد . چون اصول علمی مونژ در بنای قلاع جنگی تاثیر فراوان داشت ، اصول مزبور بامر حاکم مترویکچند مخفیانه تدریس میشد ، تا سپاهیان اجنبی که در خاک فرانسه بودند بدان پی نبردند و در بنای قلاع جنگی از آن استفاده نکنند . در زمان ا . ل . ب مونژ بوطن خویش خدمات بسیار کرد ، چه در تهیه باروت و پولاد و در ساختن اسلحه طرق تازه ای نشان داد که در پیشرفت امور لشکری انقلابیون سخت مؤثر افتاد .

لاپلاس

همانسالی که مونژ در مدرسه متر بتدریس پرداخت ، لاپلاس (۱۷۴۹ تا ۱۸۲۷) نیز در مدرسه نظام پاریس بمعلمی ریاضیات انتخاب شد ، نام او بواسطه دو کتاب معروف چگونگی تشکیل عالم^۵ و بحث

۱ - Turin . ۲ - La Mécanique analytique . ۳ - Metz . ۴ - Géométrie descriptive . ۵ - L' Exposition du système du Monde .

در حرکات سماوی^۱ جاوید مانده است. کتاب اخیر که فی الحقیقه حاوی خلاصه علم نجوم می باشد در سال ۱۸۲۵ بانجام رسد .

هرشل

در همانصری که علمای سابق الذکر در فرانسه میزیستند منجم معروفی نیز در انگلستان زندگی میکرد که نام او هرشل (۱۷۳۸ تا ۱۸۲۲) است . این مرد بزرگ اصلا از شهر هانور بود و در ایام جوانی بموسیقی عشق فراوان داشت، لکن عاقبت دل بنجوم بست و چون او را برای خریدن تلسکوپ سرمایه کافی نبود ، خود تلسکپی ساخته بنمایش آسمان پرداخت و بالنتیجه سیاره^۲ اورانوس^۳ را کشف کرد (۱۷۸۱) و ثابت نمود که کهکشان مرکب از ستارگان بسیار کوچکیست که منظومه شمسی ما خود از اجزاء آنست .

علمای علوم طبیعی و شیمی

بزرگترین علمای طبیعی و شیمی در نیمه اول قرن نوزدهم که اختراعات ایشان در تمدن بشری تأثیرات فراوان داشته است ، عبارتند از فرسنل^۴ و آمپر^۵ و آراگو^۶ و لوساک^۷ فرانسوی و فارادای^۸ و دالتن^۹ و داوی^۹ انگلیسی و برزلیوس^{۱۰} سوئدی .

فرسنل

فرسنل (۱۷۸۸ تا ۱۸۲۷) مهندس طوق و شوارع بود و در مبحث نور تحقیقات بسیار کرد و سرانجام بساختن چراغهای دریائی^{۱۱} نائل آمد و ازینطریق بدریا نوردی و تجارت خدمتی بسزا کرد .

آمپر و آراگو

آمپر (۱۷۷۵) در شهر لیون متولد شد و پس از اتمام تحصیلات

۱ - Le Traité de mécanique céleste . ۲ - Uranus . ۳ - Fresnel - ۴
۵ - Ampère . ۶ - Arago . ۷ - Faraday . ۸ - Dalton - ۹
۱۰ - Berzelius . ۱۱ - Phare

فصل ششم

جمهوری دوم فرانسه

چنانکه در فصول پیش گذشت ، استبداد رأی لوئی فیلیپ و مخالفت او با تغییر قانون انتخابات و اصرار جمهوری طلبان فرانسه در برانداختن حکومت استبدادی وی بالاخره موجب انقلاب ۲۴ فوریه ۱۸۴۸ گردید و لوئی فیلیپ ناچار از سلطنت چشم پوشیده بانگلستان رفت و جمهوری طلبان حکومتی موفقی تشکیل کردند .

حکومت موقتی بمحض تشکیل جمهوری بودن فرانسه را اعلام نمود و پس از نه روز در ۵ مارس ۱۸۴۸ فرمان انتخاب وکلای مجلس ملی مؤسسان را امضاء کرد . مجلس مزبور از نهمصد نفر نماینده تشکیل می یافت و برخلاف گذشته عموم مردان فرانسوی که بیست و چهار سال داشتند در انتخاب وکلای مجلس مزبور شرکت میتوانستند کرد و نیز هر يك از مردان فرانسه که بیست و پنجسال داشت بمقام وکالت میتوانست رسید ، علاوه برین حکومت موقتی وکلای مجلس را حقوقی معین کرد و ازین طریق وکالت را ، که سابقاً بطبقه توانگران انحصار داشت ، بر طبقات فقیر سهل نمود .

با آنکه انقلاب ۲۴ فوریه در پاریس ناگهانی بدید آمد . عموم ولایات فرانسه آنرا بخرسندی پذیرفتند و هیچ کس بمخالفت آن برخاست . حتی یکی از پسران لوئی فیلیپ هم که در الجزیره فرمانده سباه بود ، چون از اقراض سلطنت پدر و ظهور انقلاب آگاه شد ، بیدرنک باطاعت حکومت موقتی گردن نهاده اختیارات لشگری خود را یکی

از زیر دستان (ژنرال کاونیائ) سپرد، معیناً حکومت موقتی بامشکلاتی چند مواجه شد که از آنجمله اصرار سوسیالیستها در اجرای مقاصد حزبی خویش و عسرت خزانه ممالک از همه سخت تر بود .

از زمان انقراض سلطنت شارل دهم ، یعنی از

مقاصد سوسیالیستها سال ۱۸۳۰ ، در فرانسه دو حزب جدید پیدا و اداره مساعل دولی شده بود . یکی حزب سوسیالیست و دیگری حزب کاتولیک ، حزب سوسیالیست از کارگران

و جمعی از طبقات متوسط تشکیل یافته و مرام آن تغییر وضع اجتماعی مملکت و تسهیل امر معاش کارگران بود . پیشوای معروف این حزب **لوئی بلان** نامداشت که از نویسندگان و مورخان فرانسه بشمار است و کتابی بعنوان **قریب کار** بهواخواهی کارگران نگاشته و خود از جمله اعضاء حکومت موقتی بود . حزب کاتولیک رانیز جمعی از هوا خواهان مذهب تشکیل کرده بودند و مرام ایشان تجزیه مذهب از سیاست و تحصیل آزادی تعلیم و تربیت بود .

حزب سوسیالیست در زمان حکومت موقتی طرفداران بسیاریافت . و چون مملکت در آنزمان از لحاظ مالی سخت در عسرت بود و علاوه بر آن بواسطه خشکسالی سنوات ۱۸۴۶ و ۱۸۴۷ در غالب ایالات مملکت مردم دچار قحطی شده بودند . حکومت موقتی نیز بسوسیالیستها و کارگران روی مساعدت نشان داده با بسیاری از مقاصد آنان موافقت نمود . لکن موافقت حکومت سوسیالیستها را جسور کرد ، چنانکه هر روز در خواستی تازه نموده غوغائی برپا میکردند . بالاخره حکومت موقتی ناچار شد که کارگران را بکارگمارد و در ۲۷ فوریه

باتفاق آراگو طبیعی دان و منجم معروف فرانسوی (۱۷۸۶ تا ۱۸۵۳) در باب الکتریسینه بمطالعات پرداخت و آندو عالم بزرگوار پس از چندی بکشف الکتریسینه مغانطیسی نائل آمدند.

در اواخر قرن هجدهم بکن از اطباء ایتالیا موسوم به **ولتا** (۱۷۴۵ تا ۱۸۲۷) وسیله تولید جریان دائمی الکتریسینه را با اختراع **بیل الکتریک** کشف کرده بود. در نتیجه کشف مزبور آمبر در سال ۱۸۲۰ متوجه شد که دو جریان مختلف الکتریسینه در بگدگرتا بر دارد و ممکنست بتبادل جریان بگدگر را تغییر دهد. آراگو نیز در همان حال بدین نکته پی برد که هرگاه گرد تبغه ای از فولاد سیمی بیچند که جریان الکتریسینه از آن نگذرد، آن تبغه تا زمانی که الکتریسینه در جریانست مانند آهن ربا جناب خواهد بود. اکتشافات دو گانه مذکور یکی از علمای آلمان موسوم به **گاس** را با اختراع **تلگراف رهبری** کرد.

فاراده

فاراده (۱۷۹۴ تا ۱۸۶۷) در یکی از قصبات حوالی لندن نولد یافته بود. در علوم طبیعی و شیمی رنج بسیار برد و سرانجام با اختراع ماشینهای **مانیه ذوالکتریک** و **دینامو الکتریک** که مولد نور و حرکتست نائل گشت.

گه لوساک

گه لوساک (۱۷۷۸ تا ۱۸۵۰) نیز در علوم طبیعی و شیمی توأمآ کار میکرد و مخصوصاً در **قانون انبساط گاز و ابخره** که **دالتن** انگلیسی هم در جستجوی آن بود مطالعات بسیار نمود. در سال ۱۸۰۴ نیز برای مطالعه در اوضاع جوی، و اثبات اینکه هرچه

از زمین دور شوند قوه جاذبه آن کمتر است ، دو بار با بالون‌ها
۷۰۰۰ متر صعود کرد .

دالتن

دالتن انگلیسی (۱۷۶۶ تا ۱۸۴۴) نیز از علمای بزرگ طبیعی
و شیمی است و درین علوم کشفیات بسیار کرده ، از آثار او کتاب
اصول فلسفه شیمیائی^۱ معروفست .

داوی

داوی [۱۷۷۸ تا ۱۸۲۹] شیمی دان معروف انگلیسی نخستین
کسی بود که آبرا بوسیله بیل الکتریکسته تجزیه کرد و پس از آن
بکشف مواد پتاسیوم و سودیم و کالسیوم و مانیزیم نائل شد و
در سال ۱۸۱۷ چراغی ساخت که جان کارگران معدن ذغال را از خطر
حریق نجات بخشید .

برزلیوس

برزلیوس سوئدی (۱۷۷۹ تا ۱۸۴۸) یکی از مسیبن شیمی جدید
است که درین علم تحقیقات و تتبعات بسیار کرده ، از آثار معروف او
یکی کتابست بنام آبهای معدنی و مصنوعی^۲ و دیگری کتابی موسوم
به بحث در باب علوم طبیعی و شیمی و معدن شناسی^۳ .

۱ . Système de philosophie chimique - ۱

۲ . Les eaux minérales et artificielles - ۲

۳ . Mémoire de physique chimie et de minéralogie - ۳

آن محسوب میگشت. رئیس جمهور چهار سال یکبار انتخاب میشد و چون دوره ریاست وی پایان میرسید انتخاب مجدد او بدان مقام بلافاصله امکان ناپذیر بود. انتخاب وزراء و اعضاء اداری مملکت و امضای عهدنامهها و اجرای قوانین و ترتیب امور لشکری از وظائف رئیس جمهور محسوب میشد و او خود مسئول مجلس مقنن بود. علاوه برین جمله قانون اساسی جدید ملت را آزادی مذهب عطا کرده در اجتماع و تعلیم و گفتن و نوشتن و طبع کردن آزاد نهاده بود.

دوره ریاست جمهور لوئی ناپلئون

پس از وضع قانون اساسی چهار نفر نامزد ریاست جمهور شدند. یکی ژنرال کاونیاک که مجلس مؤسسان قوه مجریه را پس از انقلاب ماه ژون بدو سپرده بود. یکی لامارتین که از اعضاء باکدامن و هنرمند حکومت موقتی بود، دیگری لدرورولن رئیس حزب رادیکال و دیگری لوئی ناپلئون بناپارت.

لوئی ناپلئون بناپارت پسر لوئی بناپارت پادشاه هلند و برادر زاده ناپلئون کبیر بود که پس از سقوط حکومت امپراطوری بامادر خود منکه هورتانس، چندی در باویر و سویس بسر برد و بالاخره بواسطه افکار انقلابی، که از تعلیمات آموزگارش درو پدید آمده بود، در سال ۱۸۳۲ با آزادی طلبان ممالک کلیسا مساعدت کرد و در زمان حکومت لوئی فیلیپ نیز دوبار در بلاد استراسبورگ و بولونی انقلاباتی ایجاد نمود تا مگر سلطنت موروثی را بازگیرد. لکن هر دو بار مغلوب شد و بالاخره در سال ۱۸۴۰ بحبس ابد محکوم گشت و شش سال بعد از محبس گریخته بلندن رفت و تا ظهور انقلاب ۱۸۴۸ در آن شهر بسر برد. پس از سقوط حکومت لوئی فیلیپ لوئی ناپلئون بفرانسه

یاز گشت . دوستانش نیز از آغاز انقلاب بطرفداری وی تبلیغاتی میکردند و بالاخره شهرت نام ناپلئون بزرگ سبب شد که از جانب چهار ایالت بوکالت مجلس مؤسسان انتخاب گردید .

لوئی ناپلئون چون بوکالت مجلس مؤسسان رسید ، برای اینکه وسائل ریاست جمهور خویش را فراهم سازد با حزب کاتولیک و سلطنت طلبان ، که بریاست تی پرا و منت آلامبر حزبی تازه تشکیل کرده بودند . همداستان گشت و بالاخره با مساعدت احزاب دوگانه مزبور و بواسطه توجه و علاقهای که مردم ولایات بخانواده ناپلئون داشتند ، با پنج میلیون و پانصد هزار رأی بریاست جمهور فرانسه انتخاب شد (۱۰ دسامبر ۱۸۴۸) .

پس از انتخاب رئیس جمهور مجلس مؤسسان برای وضع برخی قوانین متمم قانون اساسی تا ماه مه ۱۸۴۹ نیز مفتوح بود و در ماه مذکور مقام خود را بمجلس مقنن سپرد . و کمالی مجلس مقنن در سیزدهم ماه مه ۱۸۴۹ انتخاب شدند و چون غالب مردم و مخصوصاً طبقات پست بواسطه حوادث ماه ژون ۱۸۴۸ از جمهوری طلبان ناراضی بودند . کرسیهای مجلس باقراد حزب کاتولیک و طرفداران سلطنت رسید و نمایندگان حزب جمهوری خواه در اقلیت ماندند . بالنتیجه از قدرت جمهوری طلبان کاسته شد و اداره حکومت جمهوری فرانسه فی الحقیقه بدست طرفداران حکومت استبدادی و هوا خواهان سلطنت خانواده اریلئان ، که تی پرا پیشوای آنان بود ، افتاد . مجلس مقنن نخست ناتکاء اکثریت قانون انتخاباتی را که مجلس مؤسسان تصویب نموده و چنانکه سابقاً گذشت ، عموم فرانسویان را حق انتخاب عطا کرده بود . تغییر داد و جمعی از طبقات ملت را ازین حق محروم ساخت (۳۱ مه ۱۸۵۰) . علاوه برآن آزادی مطبوعات را هم محدود کرد و بسیاری

۱۸۴۸ فرمانی صادر کرده عموم کارگران بیکار را بمشاغلی که از جانب دولت معین میشد دعوت نمود و آنانرا بتسطیح خیابانها و ساختن توفه گاههای راه آهن و امثال آن گماشت و برای هر کارگری در روز دو فرانک مزد معین کرد . نتیجه فرمان مزبور آن شد که بیکاران و کوچه گردان پاریس و ولایات ازهرسو بادهای که دولت برای اینگونه مشاغل تاسیس کرده بود روی آوردند و چون حکومت برای کارگرانی هم که بواسطه کثرت افراد بیکار میماندند روزی یکفرانک و نیم مزد معین کرده بود ، روز بروز بر تعداد بیکاران بیفزود ، چنانکه در ماه مه اداره مشاغل دولتی هرروز ۱۱۷۰۰۰ نفر را مزد میداد و این خودتحمیل فوق العاده ای بر خزانه مملکت بود . بعلاوه چون ادامه این وضع بصالح سوسیالیستها و کارگران بود . سعی میکردند که حتی الامکان از تشکیل مجلس مؤسسان و تاسیس حکومت دائمی اجاوری نموده حکومت موقتی را حفظ کنند .

انحلال اداره مشاغل
و شورش کارگران

مجلس مؤسسان بالاخره با آنکه سوسیالیستها با تشکیل آن مخالف بودند ، در ۴ ماه مه مفتوح شد و روز بعد نیز حکومت موقتی اختیارات خویش را بهیئت مجریه ای که مرکب از پنج نفر بود ، تفویض کرد و اعضای معروف هیئت جدید لامارتین شاعر و لدرورولن رئیس حزب رادیکال و آراگو طبیعی دان مشهور بودند .

مجلس مؤسسان در ۲۱ ژوئن اداره مشاغل دولتی را تعطیل کرد ، چه خزانه مملکت تهی بود و دولت از آن بیش کارگران را مزد رایگان نمیتوانست داد . پس از تعطیل اداره مزبور کارگرانی که

از هجده تا بیست و پنج سال داشتند بخدمت لشکری دعوت شدند و بقیه را نیز دولت توصیه کرد که بولایات روند و بکار هائی که در آنجا از جانب دولت رجوع خواهد شد پردازند . لکن این امر بر کارگران، که باخذ حقوق مفت معتاد شده بودند سخت دشوار مینمود . پس در ۲۳ ژون شورشی برپا کردند و در پاریس با قوای دولتی جنگ پرداختند . مجلس مؤسسان نیز ژنرال **کاونیاک** را در فرونشاندن آن انقلاب اختیار مطلق داد .

جنگ سپاهیان دولت و انقلابیون چهار روز ادامه یافت و کارگران که بنا بر گفته یکتن ازیشان « با گلوله از پا در آمدن را بر مردن از گرسنگی ترجیح میدادند » نخست بر قوای دولت غالب شدند و قریب هزار نفر از طرفین بهلاکت رسید . لکن عاقبت ژنرال **کاونیاک** بتوپخانه توسل جست و از ایالات فرانسه هم لشکریانی بکمک مجلس مؤسسان رو پاریس آورده کارگران را مغلوب ساختند و دولت یازده هزار تن ازیشان را محبوس نموده سه هزار نفر را بی محاکمه به الجزیره فرستاد .

در اوائل ماه نوامبر ۱۸۴۸ مجلس مؤسسان بوضع قانون اساسی جدید مزبور حکومت فرانسه از آن پس بملت تفویض شد و نماینده ملت مجلس مقنن بود که وکلای آن هفتصد و پنجاه نفر بودند . این مجلس سه سال یکبار تجدید میشد و وضع قوانین و مالیاتها و ترتیب بودجه مملکتی از وظائف آن بشمار میرفت . اجرای قوانین نیز با قوه مجریه بود که رئیس جمهور فرانسه نماینده

از جرائد جمهوری طلبان و سوسیالیستها را بعنوان مختلف توقیف نمود. از طرفی لوئی ناپلئون نیز در اندیشه حفظ مقام خویش بود و برای انجام این مقصود بجنب قلوب مردم ایالات و افراد سپاه پرداخته حتی الامکان دست مخالفین خود را از امور دولتی کوتاه میکرد، و چون بموجب قانون اساسی دوره ریاست جمهوری وی در سال ۱۸۵۲ پایان میرسید و انتخاب مجدد او نیز بلافاصله امکان ناپذیر بود. میکوشید که مگر در قانون اساسی تغییراتی دهد، لکن اکثریت مجلس با مقصود وی موافقت نمیکرد.

کودتای دوم دسامبر ۱۸۵۱

ناپلئون چون از طریق قانونی بانجام آمال خود نائل نیامد و اکثریت مجلس را با خویشتن مخالف یافت. بر آن شد که مفاصد خود را تهدید و زور انجام دهد. پس نخست ژنرال سنت آرفوا را که از دوستان وی بود. بوزارت جنگ گماشت و قوای لشکری را نیز بطرفداران خویش سپرد و در شب سه تنبه دوم دسامبر ۱۸۵۱ مخفیانه احکامی چند امضا کرد و بموجب احکام او صبح روز بعد افراد پابیس بسیاری از مخالفین وی مانند تییر و کاونیاک را توقیف کردند. سپس فرمانی صادر نموده مجلس مقنن را منحل ساخت و ملت را دعوت کرد که بدو اجازه وضع قانون اساسی جدید دهد.

اقدامات لوئی ناپلئون و کلاهی مجلس را سخت بیعنا ساخت. نمایندگان دست راست یعنی کاتولیکها و سلطنت طلبان در صدد برآمدند که از طرق قانونی دست او را از حکومت کوتاه کنند. لکن ناپلئون جملگی را توقیف و محبوس نمود. جمعی از وکلای جمهوری

طلب مانند **هوگو** نیز بر آن شدند که با افراد حزب خویش مسلح گشته بجنک پردازند ، ولی چون دولت در نتیجه انقلاب ماه ژون ۱۸۴۸ اسلحه افراد شهر را جمع کرده بود ، اقدام بجنک ظاهراً امکان ناپذیر می نمود . معیناً در روز سوم دسامبر جمعی از جمهوری طلبان در خیابانهای شهر با قوای دولت بجنک پرداختند . ولی افراد سپاه بانهایت بیرحمی مقاومت کرده حتی عابرین و مردم بیطرف را هدف ساختند و بالاخره بر جمهوری طلبان غالب شدند . در ولایات نیز عده ای از طرفداران جمهوری مسلح گشته روی پایتخت نهادند ، لکن قوای دولت بریشان نیز غالب شد و ناپلئون ۲۷ هزار نفر را در یار بس و ولایات دستگیر نموده ، جمعی را بی محاکمه به گویان و الجزیره فرستاد و برخی دیگر را مانند دزدان و مجرمین از حقوق سیاسی و مدنی محروم شمرده باعمال شاقه محکوم کرد و بالاخره با تکیاء سر نیزه با هفت میلیون و پانصد هزار رأی از ملت اجازه گرفت که قانون اساسی را تغییر دهد . هشتاد و چهار تن از وکلای مجلس هم ، که ویکتور هوگو و تی بر نیز از آنجمله بودند ، بعنوان اینکه وجود ایشان در مملکت بحال عامه مضر است از فرانسه تبعید شدند .

دوره پادشاهی لوئی ناپلئون

پس از انحلال مجلس و تبعید مخالفین لوئی ناپلئون بنا بر اجازه ملت در قانون اساسی تغییراتی پدید آورد . بموجب قانون اساسی جدید ، که در روز ۱۴ ژانویه ۱۸۵۲ انتشار یافت ، حکومت مملکت با رئیس جمهوری بود که ده سال یکبار انتخاب میشد و شخصاً مسئول ملت فرانسه بمشارعیت و فی الحقیقه بر قوای مجریه و مقننه حکمروائی داشت و نیز فرماندهی قوای بحری و بری و اعلان جنک و امضای معاهدات از جمله اختیارات شخصی وی بود . علاوه برین قانون

اساسی جدید تشکیل سه مجلس بنام مجلس سنا و مجلس مقنن و شورای دولتی را نیز لازم شمرده بود تا در وضع قوانین مملکتی با رئیس جمهور مشارکت کنند.

مجلس سنا از صد و پنجاه نفر تشکیل میشد. ازین عده جمعی از سرداران و کاردینانها و امیرالبحرها بودند که عضویت مجلس مزبور حق قانونی ایشان بود. بقیه اعضاء سنارا نیز رئیس جمهور انتخاب میکرد و آن مقام تا پایان عمر بدیشان تفویض میشد. وظیفه مجلس سنا شور در قوانین مجلس مقنن و تصویب آن بود و هیچ قانونی پیش از تصویب مجلس سنا رسمی نمی توانست شد. بعلاوه مجلس سنا میتواند بموجب احکام مخصوص راجع بآنچه در قانون اساسی پیش بینی نشده بود حکم دهد.

مجلس مقنن مرکب از ۲۶۱ وکیل بود که شش سال یکبار انتخاب میشدند. قانون اساسی جدید در آغاز امر برای وکلای مجلس مقنن حقوقی قابل نشده بود. لکن از دوم دسامبر ۱۸۵۲ هریک ازیشان را ۲۵۰۰ فرانک حقوق ماهیانه معین کردند. تشکیل مجلس مقنن بسته بمیل رئیس جمهور و دعوت مخصوص وی بود و رئیس جمهور میتواندست که جلسات مجلس مزبور را بتأخیر اندازد. یا آنکه اساساً مجلس را منحل کند. رئیس مجلس ونائب رئیس نیز بصوابدید رئیس جمهور انتخاب میشدند و مجلس مقنن فقط در باب مالیاتها و طرح قوانینی که از جانب رئیس جمهور پیشنهاد میشد و مشاورین دولتی بنام وی مدافع آن بودند. مشاوره و اظهار رأی میتواندست کرد. وزراء نیز از وکالت مجلس مقنن محروم بودند و حضور ایشان در آن مجلس ممنوع بود.

شورای دولتی ازچهل تا پنجاه نفر عضو تشکیل می یافت که یکایک

آنانرا رئیس جمهور انتخاب میکرد و وظیفه شورای مزبور تهیه طرح قوانین و دفاع از آن در مجالس مقنن و سنا بود .
 لکن ناپلئون بدین حد نیز قناعت نکرد و بنا بر دستور او در اوایل نوامبر ۱۸۵۲ مجلس سنا بيشهاد نمود که در باب اعاده امپراطوری و تعیین لوئی ناپلئون بدانمقام از ملت فرانسه رأی گیرند و بالنتیجه در ۲۰ نوامبر این مقصود انجام گرفت و سلطنت ناپلئون با هفت ماه و هشتصد و سی و هشت هزار رأی تصویب گشت . در دوم دسامبر همانسال لوئی ناپلئون خود را نام ناپلئون سوم امپراطور فرانسه خواند و برای خود دراز سلطنتی باشکوهی برتب داده با مادموازل ازنی دوموتی ژوا دختر یکی از سرداران قدیم ناپلئون که اصلاً اسدایوای بود مذاوجت کرد

پس از احراز مقام سلطنت ناپلئون حکمی صادر نموده جرائد را سخت محدود ساخت و روزنامه‌های مخالف را باندک بهانه‌ای توقف کرد و بموجب حکمی دیگر اخبارایی را که مجلس مقنن در امور مالی مملکت داشت از آنمجلس سلب نمود . چنانکه بموجب حکم اخیر مجلس ناگزیر بود



ناپلئون سوم